

## درک نخبگان سیاسی استان هرمزگان از فقر و نابرابری

نقیسه امیرمحمودی<sup>۱</sup>، فیض‌اله نوروزی<sup>۲</sup>، حسن رضا یوسفوند<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

### چکیده

اصطلاح نخبگان به گروه کوچک وابسته به دولت اطلاق می‌شود که از توانایی‌ها و امکانات برتری برخوردار هستند. به‌طور عملیاتی نخبگان در قالب نهادها تعریف می‌شود. آنها افرادی هستند که جایگاه ریاستی درون مجموعه نهادها را اشغال می‌کنند و در پیامدهای سیاسی ملی و سیاست‌گذاری، مشخص‌شده‌تر هستند. نقش مهم و مؤثر نخبگان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی پذیرفته‌شده است و برای آگاهی از چگونگی سیاست‌گذاری و تصمیمات نخبگان و برنامه‌ریزان کشور، ناگزیر از شناخت چگونگی درک ایشان از مسائل و مشکلات جامعه هستیم. برای درک نخبگان از مسئله فقر و نابرابری، از دیدگاه ۱۳ فرماندار به همراه استاندار استان هرمزگان برای پژوهش زمینه‌ای استفاده شد. هدف این پژوهش آشنایی با درک نخبه‌های سیاسی از فقر و نابرابری، با تمام کلیات و جزئیات و تأثیر آن بر جامعه و مردم است. نظریه داده‌بنیاد با استفاده از مقولات عمده و تعقیب خط اصلی داستان در چارچوب یک الگوواره، ارائه می‌شود. در این نظریه، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، تعاملات و فرایندها و پیامدها و بازخورد آن می‌آید. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشان‌دهنده سایه سنگین سیاست‌های نامناسب سیاسی در بکارگیری نیروهای بومی بیکار برای رهایی از فقر و نابرابری است؛ به‌طوری که دولت به‌عنوان متولی رفع فقر و نابرابری اجتماعی معرفی شده و نقش بسیار حداقلی برای مردم در نظر گرفته است.

**واژگان کلیدی:** نخبگان سیاسی، فقر و نابرابری، درک نخبگان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

amirmahmudi3391@gmail.com

faizollah\_nouroozi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

yosofvand@pnu.ac.ir

**مقدمه**

دولتمردان به‌عنوان نخبگان سیاسی استان هرمزگان بر چگونگی رفاه جامعه تأثیرگذار هستند؛ اما با وجود این در این زمینه مطالعات و بررسی‌های چندانی صورت نگرفته است. گزینش استان هرمزگان به‌عنوان میدان مطالعه از چند جهت اهمیت دارد؛ نخست اینکه جمعیت زیر خط فقر استان هرمزگان در سال ۱۳۹۶ در رتبه چهارم است (به نقل از وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰: ۴۶). دوم اینکه، استان هرمزگان به‌لحاظ صنایع و معادن غنی نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی و دریایی، از دیگر استان‌ها متمایز است. با وجود شرایطی که استان هرمزگان با تصمیمات نخبگان سیاسی و درک آنها از فقر و نابرابری در این شرایط قرار گرفته است، اما چندان مورد عنایت پژوهشگران قرار نگرفته است.

آگاهی از میزان فقر، به پایه اطلاعاتی و آستانه فقر مورد اجماع سیاستگذاران و برنامه‌ریزان وابسته است. با توجه به نبود چنین اجماعی و منتشرنشدن و اعلان‌نشدن شاخص‌های فقر ملی و شاخص استاندارد زندگی، تعیین نیازها و اهداف نظام حمایتی بسیار دشوار است (شعبانی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

نظریه نخبگان و حوزه نخبگان مرکز ثقل مباحث توسعه است. مسیر سیاسی و فکری کشور تابع به‌قدرت‌رسیدن گروه‌های گوناگون و گرایش‌ها و افکار سیاسی آنها خواهد بود. جامعه‌شناسی سیاسی تنها به‌معنی شناخت عمل سیاسی "نخبگان" است (بشیری، ۱۳۹۶: ۶۱). گرچه نقش نخبگان به‌تنهایی نمی‌تواند نتایج منفی حکومت را به‌تصویر بکشد، اما این حقیقت که ممکن است منافع آنها از پیامدهای رفتاری آنها باشد، قانع‌کننده است. این موضوع به‌وسیله راه‌هایی که به جانمایی برنامه‌های کمک توسعه و راهبردهای ملی کاهش فقر صورت می‌گیرد، آشکارتر نشان داده شده است؛ اغلب این برنامه‌ها با مشاوره نخبگان و با هدف قرارداد فقر به‌عنوان راه کاهش نتایج، تغییر جهت و عملیاتی شده است (امسدن، دکاپریو و رایبسون: ۲۰۱۲).

استان هرمزگان در رتبه‌بندی جمعیت زیر خط فقر در مناطق شهری بعد از استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، ایلام و خوزستان رتبه پنجم را دارد و از نظر درصد جمعیت زیر خط فقر روستایی، در سال ۱۳۹۶ رتبه چهارم کشوری را به خود اختصاص داده است که حاکی از وضعیت بسیار نامناسب این استان است (وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰: ۴۶).

سؤالات پژوهش شامل موارد زیر است که برای رسیدن به اهدافی مانند درک نخبگان از عوامل فقر و نابرابری، مشکلات مردم، سیاست‌گذاری‌های مبارزه با فقر و نابرابری، برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی دولت طراحی شده است:

۱. به نظر شما مهمترین مسئله مردم در حال حاضر چیست؟ (مقوله اصلی)
۲. به نظر شما دولت برای کاهش فقر چه میزان به وظایفش عمل کرده است؟ (مقوله اصلی)
۳. چه سیاست‌هایی برای کاهش فقر نیاز است؟ (مقوله اصلی)
۴. چرا بخشی از سیاست‌های کاهش فقر، به نتیجه نمی‌رسد؟ (مقوله مداخله‌گر)
۵. بدترین پیامد فقر برای استان هرمزگان چیست؟ (مقوله پیامدی)
۶. نقش نخبگان، برای حل مسئله چیست؟ (مقوله پیامدی)
۷. راهبردهای اتخاذشده توسط نخبگان به چه نتایجی خواهد انجامید؟ (مقوله پیامدی)

## مبانی نظری

پیشینه مفهوم نخبه، به اندیشه‌های نیکولو ماکیاولی باز می‌گردد. ماکیاولی در مفهومی کلی، تمام فرایندهای اجتماعی را به واقعیت اساسی تفاوت میان نخبگان و غیر نخبگان پیوند می‌داد؛ از این‌رو همه نظریه‌پردازان عمده نخبه‌گرا مانند پاره‌تو، موسکا، میخلز و سورل، تحت تأثیر اندیشه‌های او بودند. ماکیاولی در واقع نخبه را به مفهوم گروه حاکمه‌ای تلقی می‌کرد که اراده و مردانگی لازم را برای پاسداری از مبانی قدرت خود آشکار می‌سازد. بیشتر نظریه‌پردازان، قدرت سیاسی را یکی از ویژگی‌های اساسی الیت (نخبه) تلقی کرده‌اند. به‌طور مثال گائتانو موسکا، «طبقه حاکم» یا «طبقه سیاسی» را به همان مفهوم نخبه قدرت به‌کار می‌برد. پاره‌تو مفهوم الیت (نخبه) را در مورد همه دسته‌بندی‌های اجتماعی به‌کار می‌برد و مثلاً از نخبه روحانیون یا دزدان نیز سخن می‌گفت (بشیریه، ۱۳۹۶: ۶۹).

گی روشه<sup>۱</sup> در کتاب «تغییرات اجتماعی» می‌نویسد: نخبگان اشخاص و گروه‌هایی حساس هستند که در نتیجه قدرتی که به‌دست می‌آورند و تأثیری که برجای می‌گذارند یا بوسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند و یا باتوجه به ایده‌ها و احساسات و یا هیجاناتی که به‌وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه مؤثر واقع می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۵۷ - ۱۸۲)؛ بنابراین زمانی که درک نخبگان

1. Guy Rocher سیاستمدار و جامعه‌شناس

سیاسی از فقر و نابرابری مطرح می‌شود منظور تفسیر و فهم افراد تراز اول جامعه از فقر و درماندگی در تأمین نیازهای ضروری و وجود نابرابری طبقاتی و وضعیت اقتصادی جامعه است. فقر و نسبت آن با نابرابری بر همین گره‌گاه متکی است. آمارها از مطالعاتی گرفته شده که با معیارهای متفاوتی انجام شده است. خط فقر بنا به میزان حداقل درآمد و یا حداقل برابری قدرت<sup>۱</sup> خرید (PPP) اعلام شده از سوی بانک جهانی و یا برحسب اعلام وزارت رفاه یا بانک مرکزی هر کشوری مشخص می‌شود. در جدیدترین تعریف در سال ۲۰۱۳، بانک جهانی دو خط فقر مشخص کرده است: یکی بر اساس قدرت خرید روزانه زیر دو دلار و دیگری بر اساس قدرت خرید روزانه زیر ۱/۲۵ دلار؛ لذا با افزایش شدید خط فقر در سال ۱۳۹۹ می‌توان گفت به دلیل افزایش نامتناسب درآمدها و نبود رشد اقتصادی مطلوب، به احتمال زیاد تعداد بیشتری از خانوارها به زیر خط فقر سقوط کرده و شاهد افزایش نرخ فقر خواهیم بود. خط فقر در استان‌ها و شهرستان‌های گوناگون، متفاوت است. تفاوت خط فقر سبب می‌شود حداقل دستمزد در برخی مناطق پوشش بیشتر و در برخی مناطق پوشش کمتر داشته باشد. این مطلب لزوم سیاستگذاری‌های منطقه‌ای برای این مناطق را مشخص می‌کند (شهیدی و کاویانی، ۱۴۰۰).

در نابرابری اقتصادی، امکانات کاری و درآمد اهمیت دارد و در نابرابری اجتماعی، موقعیت‌های اجتماعی، دسترسی یکسان به موقعیت‌های اجتماعی از جمله آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن و دیگر خدمات اجتماعی و در دسترس بودن موقعیت کاری و شغلی اهمیت دارد (کمالی، ۱۳۸۵: ۲۹۲ - ۲۹۱).

به اعتقاد زریباف (۲۰۱۲)، مسئله فقر در جریان متعارف نئوکلاسیک یا ناشی از دخالت‌های نابجای دولت در سازوکار بازار و یا به دلیل دخالت نکردن دولت در موارد شکست بازار بوده است. ازسویی دخالت دولت نیز با تأثیری که بر نرخ بهره، نرخ ارز، توازن بودجه و تورم می‌گذارد، می‌تواند عامل فقر به‌شمار رود. سیاست‌های مالیاتی به‌طور خاص بر قدرت و گستره انتخاب مصرف‌کنندگان تأثیرگذار است (زارعی و صفری، ۱۳۹۸ به نقل از ناریان، ۲۰۱۱). علل ساختاری و سیاسی فقر نیز که به‌طور خاص مورد توجه ساخت‌گرایان، نئومارکسیست‌ها و اقتصادهای رقیب دیگر قرار گرفته است، از موارد غفلت تحلیل‌های رایج اقتصاد از فقر به‌شمار می‌رود.

در ایران پژوهش‌هایی انجام نشده است که با موضوع مورد مطالعه «درک نخبگان سیاسی از فقر و نابرابری» مطابقت داشته باشد.

تا اواخر دهه ۸۰ تلاش برای احیای نظریه نخبگان ادامه داشت. در زمینه جامعه‌شناسی سیاسی مایکل برتون، لاول فیلد و جان هیگلی، به دنبال ایجاد «الگوواره جدید نخبگان» بودند که براساس کار پاره‌تو، میشلز و موسکا ساخته شده بود (اچ آمدن، دکاپریو و جیمز رابینسون، ۲۰۱۲: ۲). از زمان آثار کلاسیک پارتو، موسکا و میشلز (صرف نظر از مارکس و وبر)، موضوع کلیدی جامعه‌شناسی سیاسی، گروه‌های کوچک در سازماندهی سیاسی بوده است. براساس تعریف سی رایت میلز<sup>۱</sup> (جامعه‌شناس امریکایی)، نخبگان ملی افرادی با تعداد کم هستند که منابع کلیدی مادی، نمادین و سیاسی کشور را کنترل می‌کنند و بیشترین قدرت را در اختیار دارند (رایس و مور، ۲۰۰۵: ۲۶۱).

زیگمونت باومن<sup>۲</sup>، (نخبه)<sup>۳</sup> سیاسی دوران معاصر را متهم می‌کند که به جای اینکه به فکر حذف شرایطی باشد که برانگیزنده فقر است، درصدد حذف فقیران است. این اندیشمند به توصیف ویژگی‌های مقوله سیاست اجتماعی دست یافته است. در سیاست‌های اجتماعی، همیشه هنگام تصمیم‌گیری باید به هر دو عامل «اجتماعی» و «فردی» توجه کنیم (پتريک، ۱۳۸۳: ۱۴).

آی‌نشتات<sup>۴</sup> در رابطه با نقش و کارکرد نخبگان به‌ویژه نخبگان سیاسی معتقد است طبقه سیاسی دولت‌های جدید جهان سوم روشنفکرانی هستند که بیشتر در خارج آموزش دیده‌اند و از نیروهای سنتی و نخبگان جدید اقتصادی در جامعه خود فاصله دارند. «دایاموند» و «لینز» معتقدند عمل سیاسی بر نظریه فرهنگی مقدم است به این معنا که نخبگان سیاسی تحت شرایطی با محاسبه عقلانی و مصلحت‌گرایانه به مشارکت‌پذیری و رقابت‌پذیری گرایش پیدا می‌کنند و بعد از شکل‌گیری فرهنگ مردم‌سالارانه در بین نخبگان، این ارزش‌ها بین عامه گسترش می‌یابد. از دید هیگلی و برتون نخبگان افرادی هستند که به‌خاطر موقعیت خود در سازمان‌های قدرتمند، می‌توانند پیامدهای سیاسی ملی را به‌طور فردی، منظم و جدی تحت تأثیر قرار دهند. آنها رهبران در همه

1. C.Wright Mills جامعه‌شناس امریکایی

2. Zigmunt Bauman

۳. اضافه شده توسط مترجم

4. Shmuel Noah Eisenstadt

بخش‌ها و حوزه‌ها را شامل می‌شوند (ساعی و کوشافر، ۱۳۹۰: ۱ - ۳۰ به نقل از بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۶).

در این پژوهش فقر به‌مانند محرومیت نسبی در نظر گرفته شده است. «پیتر تاونزند»<sup>۱</sup> جامعه‌شناس انگلیسی یکی از نمایندگان مطرح این بینش است و در سال ۱۹۷۹ مهم‌ترین مطالعه را در زمینه فقر به انجام رساند. تاونزند برای اینکه محرومیت نسبی را معنی کند بر آن بود که باید به درک اجتماعی نیازهای مهم و مصوب اجتماعی، ارزش‌های متداول، سبک‌های زندگی و اینکه چگونه این چهره مستلزم حیات طی زمان دگرگون می‌شود، نایل آمد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۶۴ - ۷۳).

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع اکتشافی است و همان‌طور که از نام آن مشخص است به دنبال اکتشاف چیزهایی است که رخ می‌دهد و در مورد آنها پرسش است. این روش به‌ویژه زمانی مفید است که درباره یک پدیده شناخت کافی وجود ندارد؛ بنابراین، وظیفه پژوهش اکتشافی نه رسیدگی کردن به فرضیه‌های پژوهش است و نه جمع‌آوری اطلاعات در مورد مسئله پژوهش، بلکه ایجاد زمینه مناسب برای درک بهتر پدیده‌های گوناگون یا مسئله خاصی است که پژوهشگر، اطلاعات کافی در آن مورد ندارد.

روش پژوهش، توصیفی یعنی بر حسب نوع اجرا کیفی و از لحاظ هدف کاربردی است. روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش انجام استفاده از روش داده بنیاد است. با استفاده از روش داده بنیاد، بهتر می‌توان به سامانه نظری پشتیبان به‌منظور بحث درباره «درک نخبگان سیاسی از فقر و نابرابری» رسید و بیشتر کار با مصاحبه ابتدایی از یک صاحب‌نظر کلیدی شروع می‌شود؛ پس از آن از ایشان خواسته می‌شود افرادی را معرفی کند که ممکن است برای مصاحبه مناسب باشد. به‌نظر می‌رسد روش‌های کیفی برای پژوهش‌های ادراک ریسک مناسب‌تر باشد. در مواردی که شناخت فرایندهای ساختاری یا روانشناختی در زمینه اجتماعی خاصی مورد نظر باشد از روش نظریه زمینه‌ای استفاده می‌شود. در واقع این روش به جستجوی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسان‌ها می‌پردازد. از آنجا که پدیده درک نخبگان سیاسی از فقر و

1. Peter Townsend

نابرابری از یک سو به مسائل فردی و از سوی دیگر به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد نظر وابسته است؛ لذا روش نظریه زمینه‌ای برای این پژوهش انتخاب شد.

جدول ۱. نوع پژوهش (کمی - کیفی)

نوع پژوهش (کمی - کیفی)	اهداف به تفکیک	ردیف
کیفی	درک نخبگان از علانم فقر و نابرابری (مقوله علی)	۱
کیفی	درک نخبگان از مشکلات مردم (مقوله مداخله‌گر)	۲
کمی	درک نخبگان از سیاستگذاری برای مبارزه با فقر و نابرابری (مقوله راهبردی)	۳
کیفی	درک انگیزه نخبگان برای مبارزه با فقر و نابرابری (مقوله اصلی)	۴
کیفی	درک نخبگان از برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی دولت (مقوله پیامدی)	۵

روش گردآوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برای تهیه و تدوین سؤال‌های مصاحبه، پژوهشگر به بررسی مبانی نظری، ادبیات و پیشینه پژوهش پرداخت و با استفاده از نظر مشاوره‌ای استادان، سؤال‌های اولیه مصاحبه را تدوین کرد. با توجه به نیمه‌ساختاریافته بودن نوع مصاحبه، پژوهشگر در صورت نیاز به‌منظور پیشبرد اهداف پژوهش، سؤال‌های جدیدی را هنگام مصاحبه طرح خواهد کرد. روش گردآوری داده‌ها به این شرح است:

الف) ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه: در این مرحله، ابتدا به‌منظور انجام مصاحبه با نمونه‌های انتخاب‌شده، موافقت ایشان دریافت شد؛ سپس برای زمان، مکان و شرایط مصاحبه هماهنگی‌های مربوط انجام شد. در زمان انجام مصاحبه نیز ابتدا توضیحات کلی در مورد موضوع مورد مصاحبه ارائه و سپس سؤال‌های مصاحبه مطرح شد. تمام مصاحبه‌ها هنگام مراجعه به‌صورت صوتی ضبط شد. مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه داشت که اطلاعات جدیدی نسبت به مصاحبه‌های قبلی به‌دست نیامد و به اصطلاح مصاحبه‌ها به حد اشباع رسید.

ب) تحلیل محتوای مصاحبه‌ها: بعد از پیاده‌سازی، تحلیل محتوای مصاحبه‌ها انجام شد و پژوهشگر به شناسه‌گذاری مفاهیم، مقوله‌ها و پدیده‌ها در سه مرحله شناسه‌گذاری باز، محوری و انتخابی اقدام کرد.

ج) شناسه‌گذاری مصاحبه‌ها: در مرحله اول تمام مفاهیم توسط نمونه‌های مورد مصاحبه به صورت شناسه‌های باز استخراج شد؛ سپس با توجه به نزدیکی مفاهیم با هم، شناسه‌های باز در مقوله‌های شناسه‌های محوری طبقه‌بندی شد. در مرحله سوم، شناسه‌های محوری در دسته شناسه‌های انتخابی قرار گرفت. در این مرحله نیز از شیوه‌های دستی و استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی و هم‌چنین از نظر استادان و مصاحبه‌شوندگان برای دستیابی به مقوله‌ها و مفاهیم مورد نظر استفاده شد.

به منظور جلب اعتماد بیشتر مشارکت‌کنندگان، ابتدا خود را معرفی کرده، سپس عنوان و هدف پژوهش را برای آنها شرح می‌دهیم. هنگام مصاحبه هر جا که مشارکت‌کننده مایل بود تا مصاحبه پایان یابد و یا قسمتی از مصاحبه ضبط نشود، مصاحبه‌گر به نظر وی احترام گذاشته و به آن عمل می‌کرد و کوشش شد با تجربه به دست آمده پژوهشگر در صورت نیاز سؤالات پژوهش مورد بازبینی قرار گیرد؛ هم‌چنین واژه‌ها متناسب با ادبیات مشارکت‌کنندگان تنظیم شود.

در انتهای مصاحبه برای اطمینان از اینکه مشارکت‌کننده همه تجربه‌های خود را بیان کرده است سوال «آیا مطلب دیگری هست که بخواهید بگویید؟» پرسیده شد. در پایان از مشارکت‌کنندگان برای همکاری و انتقال تجربه‌های خود تشکر کرده و با کسب اجازه نشانی و شماره تلفن آنها برای تماس‌های بعدی به منظور تأیید گفته‌هایشان یا نیاز به مصاحبه‌های بعدی دریافت شد. مصاحبه‌ها در یک یا چند نوبت انجام شد. طول مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه بود. بی‌درنگ بعد از هر مصاحبه دست‌نویسی انجام شد. برای این منظور ابتدا به مصاحبه‌ها چندین بار گوش داده شد؛ سپس کلمه به کلمه تایپ شد. چندین بار گوش‌دادن به مصاحبه می‌تواند سبب غوطه‌ور شدن پژوهشگر در داده‌ها شود که لازمه پژوهش کیفی است.



جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نخبگان سیاسی

سمت	سن	جنس	تحصیلات
فرماندار بندرعباس	۵۸	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار میناب	۴۷	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار رودان	۴۷	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار بستک	۵۲	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار خمیر	۵۳	مرد	کارشناسی
فرماندار بندرلنگه	۴۶	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار پارسیان	۴۶	مرد	کارشناسی
فرماندار قشم	۴۸	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار ابوموسی	۵۱	مرد	کارشناسی
فرماندار سیریک	۳۷	مرد	کارشناسی ارشد
فرماندار جاسک	۴۵	مرد	کارشناسی
فرماندار بشارگرد	۴۶	مرد	کارشناسی
فرماندار حاجی آباد	۴۲	مرد	کارشناسی ارشد

## روایی و پایایی

در بخش روش کیفی پژوهش از روش‌های مقایسه‌ای پیوسته شناسه‌گذاری‌های آزاد توسط پژوهشگر و افراد شرکت‌کننده در مصاحبه در مراحل گوناگون، به‌منظور مطابقت همگونی میان اطلاعات و مقوله‌ها، بازبینی داده‌ها نسبت به مقوله‌ها در مرحله شناسه‌گذاری محوری، مرور پیاپی داده‌ها توسط پژوهشگر و شرکت‌کنندگان، مقایسه فرایندهای انجام‌شده با فرایندهای موجود در پیشینه پژوهش، استفاده از ناظران بیرونی از جمله استفاده از نظر استادان راهنما و مشاور و دیگر صاحب‌نظران و پژوهشگران استفاده شد. می‌توان گفت با به‌کارگیری این روش‌ها، سطح دقت، روایی و پایایی در شناسایی مقوله‌ها، عوامل، ملاک‌ها و نشانگرها و طراحی الگو و ابزار پژوهش مورد مطالعه افزایش خواهد یافت؛ به‌عبارت دیگر روایی از روش متخصصان و پایایی از روش بررسی دوباره یا بازدید توسط اعضا (عباس‌زاده، ۱۳۹۱) استفاده شد.

البته قبل از اعتباریابی باید از تلفیق یافته‌های مروری به‌دست‌آمده از مراحل مطالعه مروری و شناسه‌گذاری و... با در نظر گرفتن فراوانی‌ها، مشابهت‌ها را حذف، پالایش و ویرایش کرد تا مجموعه نهایی شناسایی شود که شامل گزینه‌های عمومی و اختصاصی خواهد بود.

## تحلیل داده‌ها

در بخش روش کیفی برای دستیابی به نتایج مورد نیاز پژوهش از فراوانی شناسه‌های باز، محوری و انتخابی برای شناسه‌گذاری مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (MaxQDA) استفاده شد.

جدول ۳. روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

ردیف	اهداف به تفکیک	روش تحلیل آماری	نرم‌افزار استفاده شده
۱	درک نخبگان از علائم فقر و نابرابری (مقوله علی)	کیفی: شناسه‌گذاری باز، کد گذاری محوری و کدگذاری انتخابی	(MaxQDA)
۲	درک نخبگان از مشکلات مردم (مقوله مداخله‌گر)	کیفی: شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی	(MaxQDA)
۳	درک نخبگان سیاسی از سیاستگذاری برای مبارزه با فقر و نابرابری (مقوله راهبردی)	کیفی: شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی	(MaxQDA)
۴	درک انگیزه نخبگان برای مبارزه با فقر و نابرابری (مقوله اصلی)	کیفی: شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی	(MaxQDA)
۵	درک نخبگان از برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی دولت (مقوله پیامدی)	کیفی: شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی	(MaxQDA)

## یافته‌های پژوهشی

در مرحله اول براساس شناسه‌گذاری باز بر روی پاراگراف‌های مصاحبه، تعداد ۹۲ مفهوم اولیه استخراج شد و کوشش شد نکات کلیدی مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان استخراج شود. در ادامه مشخص شد بسیاری از تعابیر گوناگون دارای مفهوم یکسانی در تبیین موضوع بود. از این‌رو این شناسه‌ها تجمیع و ادغام و سرانجام به تعداد ۲۰ شناسه دست یافتیم که در جدول ذیل به‌نمایش درآمده است.

جدول ۴. مفاهیم تولیدشده در شناسه‌گذاری باز نظریه داده‌بنیاد

۱. فاصله طبقاتی
۲. جابجایی فرمانداران
۳. آموزش
۴. بیکاری
۵. دوگانگی مدیریتی
۶. دولتی‌گری
۷. کم‌کاری دولت
۸. اشتغال‌زایی
۹. فقرزدایی
۱۰. پیچیدگی ساختاری
۱۱. سیاستهای اقتصادی
۱۲. راه‌سازی
۱۳. تمرکزگرایی
۱۴. آمایش استان
۱۵. اعتیاد و بزهکاری
۱۶. نافرمانی مدنی
۱۷. مصلحت‌اندیشی
۱۸. شایستگی مدیران
۱۹. راهبری موضوع
۲۰. محدودیت مالی دولت

برای رسیدن به درک نخبگان سیاسی استان هرمزگان از فقر و نابرابری، چهار مقوله اصلی «دغدغه‌های مردم»، «اقدامات دولت»، «اراده مبارزه با فقر» و «سیاست‌های کاهش فقر»، در قالب سؤالات از مشارکت‌کنندگان طرح شد.

۱. بیکاری: نداشتن شغل با درآمد مشخص است.

فرماندار پارسیان (هفت سال سابقه): مهم‌ترین دغدغه مردم در حال حاضر بیکاری است. اگر اشتغال ایجاد شود و سطح رفاه مردم بهتر شود، از پیامدهای فقر در امان می‌مانیم. فرماندار حاجی‌آباد (۲۵ سال سابقه): مهم‌ترین نگرانی مردم نبود ظرفیت اشتغال در برابر کوشش زیاد مردم این منطقه است. راه‌اندازی مدرسه فنی و حرفه‌ای که ایجاد شد، در بحث اشتغال برای کاهش فقر خیلی مؤثر شد.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): ترس از آینده اشتغال، مهم‌ترین نگرانی مردم است. با وجود اینکه استان هرمزگان استانی صنعتی و شیلاتی است؛ اما دانشگاه‌ها آموزش متناسب با این صنایع را ندارد.

فرماندار بستک (۲۶ سال سابقه): بالاخره وضع اشتغال مردم بهبود پیدا خواهد کرد. مؤلفه بسیار تأثیرگذار در زندگی اقتصادی مردم این است که به درآمد مکفی برسند؛ وقتی درآمد ما کفایت کند حرص و طمع چیزهای دیگر را نخواهیم داشت. منابع استان هنوز بالقوه است و هم‌چنین سرمایه انسانی استان اجازه نمی‌دهد استان به مسیر نگران‌کننده‌ای هدایت شود.

فرماندار بندر لنگه (۱۹ سال سابقه): جذب سرمایه‌گذار برای افزایش تولید و فعال‌شدن کارخانه‌ها برای اشتغال‌زایی.

۲. حمایت دولت: دولت در هر زمینه که به رشد اقتصادی و بهبود وضعیت افراد جامعه کمک کند، سیاست‌های لازم را اعمال کند.

فرماندار بندر لنگه (۱۹ سال سابقه): دولت به نحو احسن وظایفش را انجام داده است و زیرساخت لازم برای اشتغال را فراهم کرده است.

فرماندار بندر خمیر (۱۸ سال سابقه): هر گوشه از کشور پازلی مکمل از همه کشور است. بندر خمیر هم نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست. امروز اگر این بندر به بهره‌برداری برسد هم ارزش افزوده زمین‌های اطراف بیشتر خواهد شد و هم شرکت‌های جدید ایجاد می‌شود و هم اینکه جمعیت جدیدی به آنجا می‌آید و به ارتقای استان کمک می‌کند که در نهایت به سود کشور است.

۳. آموزش: آموزش متناسب با منابع و امکانات بومی به جوانان

فرماندار پارسیان (هفت سال سابقه): به هر حال رشته‌های آموزشی لازم به شهرستان آورده شد تا از نیروی بومی استفاده شود و بیشتر نیروهای بومی جذب مجموعه صنعتی شدند که جذب نیروی بومی برای مجموعه صنعتی، اطمینان خاطر بیشتری دارد. باید از مرحله آموزش تا اشتغال افراد،

برنامه‌ریزی شود و رشته‌های آموزشی برای هر منطقه براساس نیازهای همان منطقه باشد. فرماندار می‌تواند برای سرعت‌بخشیدن به کارها، مدیران را با هم همدل کند.

فرماندار بشاگرد (۲۰ سال سابقه): راه‌اندازی مدارس فنی و حرفه‌ای که ایجاد شد در بحث اشتغال برای کاهش فقر خیلی مؤثر شد. هم‌چنین دانشگاه آزاد که در بشاگرد افتتاح شد، خیلی‌ها تا تحصیلات تکمیلی پیش رفتند. معادن خیلی خوب در بشاگرد داریم. در سواحل مکران، اسکله داریم. کوه‌های بزرگ آن سنگهای قیمتی دارد که بسیار به‌صرفه‌تر از واردات آن است. در مجموع اشتغال ایجاد می‌کند و مشکل حل می‌شود؛ هم‌چنین دامداری در آن همه مراتع گسترده بسیار کم‌هزینه است و می‌تواند بشاگرد را جزء صادرکنندگان گوشت قرار دهد.

۴. مشکلات معیشتی: دشواری تأمین معاش زندگی به علت از بین رفتن زمین‌های کشاورزی بر اثر احداث کارخانجات صنعتی و نداشتن اسکله تجاری، منافع اقتصادی مردم را تحت‌الشعاع قرار داده است.

فرماندار بشاگرد (۲۰ سال سابقه): بهبود وضعیت اقتصادی، مهم‌ترین نگرانی مردم است؛ به‌ویژه جوانان، اکنون خواسته‌های متفاوتی دارند.

فرماندار بستک (۲۶ سال سابقه): موضوعی که مردم گریبان‌گیر آن هستند، چنددستگی و شکاف طبقاتی است که خودش را به شکل‌های گوناگون از جمله دستفروشی نمایان کرده است.

۵. شایستگی مدیران: اینکه تنها افراد دارای شایستگی و مهارت، مدیریت شهر را بر عهده گیرند. فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه): خیلی از نخبگان فرصت ارتقاداتن بیشتر منطقه را داشتند، اما کوتاهی کردند. اگر وقت بگذرد عقب می‌مانیم و عقب‌ماندگی بیشتر و بیشتر می‌شود. باید کسانی شرایط احراز به‌عنوان شورای شهر را داشته باشند که حداقل چهار سال مدیریت و مدرک مرتبط با موضوعات شهری داشته باشند، که اگر این نباشد فقر و نابرابری و فرصت‌سوزی رخ می‌دهد. ما هنوز در حال توسعه هم نیستیم.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): نخبه می‌تواند برای توانمندکردن جامعه نقش داشته باشد، که مزیت منطقه‌اش را در بیاورد و برود مطالبه کند. آدم نخبه سیاسی می‌تواند با راهبری کردن موضوع، این کار را بکند.

۶. تغییر فرمانداران: جابجایی یا عزل و نصب پیاپی فرمانداران در شهرستان‌های مورد نظر

فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه): گماردن مدیرانی که تخصصی نداشتند و شیفته خدمت به مردم بودند و تغییر پی در پی آنها مردم را خسته کرده است.

فرماندار رودان (۱۸ سال سابقه): هرچند با تعویض مدیران، همراهی با فرماندار و استاندار شکل می‌گیرد، اما با سلیقه افراد نظم در شهرستان و استان شکل نمی‌گیرد. بهترین راه این است که فنون و روش‌ها تغییر کند. تا وقتی که قانون تغییر نکند، نمی‌توان به اهداف منطقه رسید.

۷. فاصله طبقاتی: اختلاف سرمایه بین گروه‌های مختلف ساکن در جامعه به گونه‌ای است که گروهی محتاج نان شب است و گروه دیگر هم‌زمان توانایی اداره چندین خانوار را دارد.

فرماندار رودان (۱۸ سال سابقه): می‌توانیم نابرابری را به حداقل برسانیم و رضایت را افزایش دهیم که به استحکام دولت‌ها و در نتیجه توسعه پایدار کمک خواهیم کرد.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): اگر برابری رخ دهد سبب پیشرفت منطقه می‌شود. نخبه باید برای منطقه‌اش نقطه پیشرفت بگذارد.

فرماندار بندر لنگه (۱۹ سال سابقه): اگر هر کسی از جمله نخبه سیاسی به وظیفه‌اش به‌درستی عمل کند، برابری برقرار خواهد شد و فقر کاهش می‌یابد.

فرماندار سیریک (۱۲ سال سابقه): هر زمان که نابرابری و تبعیض پیش آید و فرد نتواند خود را به حداقل‌های جامعه برساند، طبیعی است که از ضوابط و قوانین تجاوز کند و قانون‌گریزی رخ دهد. زمانی که افراد هر چقدر هم کار می‌کنند به حداقل نمی‌رسند و هم‌زمان در کنارش یک نفر مانند چنار قد می‌کشد و بالا می‌رود، ناخودآگاه فرد هر چه هم بخواهد، نمی‌تواند خودش را حفظ کند و تحت فشار خانواده و اطرافیان و اجتماع قرار می‌گیرد و راه انحرافی می‌رود تا بتواند جاهای خالی زندگی‌اش را از مسیرهای غلط پر کند؛ لذا با مجموعه هرج و مرج‌های ناخواسته روبه‌رو می‌شویم.

فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه): هرچه شکاف طبقاتی بیشتر شود و فقر پایدار بماند، اولین پیامد آن همین اعتراضاتی است که با سیاست‌ها و تصمیمات دولتی همراهی نکنند. احتمال بروز خطرات ناشی از فقر از جمله همین نافرمانی مدنی خیلی زیاد است.

۸. مدیریت دوگانه: صدور مجوز و دستورالعمل‌های گوناگون فعالیت از سوی دو نهاد مدیریتی در یک منطقه.

فرماندار قشم (۲۱ سال سابقه): مردم تکلیفشان مشخص نیست. به‌عنوان مثال اگر کسی بخواهد خانه بسازد، باید همزمان یک پروانه ساخت از شهرداری و یک پروانه ساخت هم از منطقه آزاد بگیرد، یا به‌طور مثال فعال اقتصادی برای مجوزی که از منطقه آزاد می‌گرفت، دستگاه اجرایی دیگری برای کارش ممانعت ایجاد می‌کرد که این دوگانگی‌ها بر اقتصاد و معیشت مردم تأثیر می‌گذارد. هدف ما از ایجاد مناطق آزاد چه بود؟ آیا ۳۰ سال پس از تشکیل، اهداف این منطقه محقق شده است؟ در مجموع به‌سمت دیگری در حرکت هستند. متأسفانه از ظرفیت مناطق آزاد برای رونق اقتصادی جوامع محلی و ملی استفاده نشده است که بخش اعظم آن به تناقضات و مشکلات قانونی‌ای بر می‌گردد، که مناطق آزاد دارند.

فرماندار قشم (۲۲ سال سابقه): یکی از نگرانی‌های اصلی مردم، مزاحمت‌های مدیریتی است و بقیه نگرانی‌های جزئی مانند پروانه‌های صید و انتقال کالا به سرزمین اصلی و بحث قاچاق کالا، موضوعاتی بود که مردم قشم را نگران می‌کرد.

۹. دولتی‌سازی: دخالت در اقتصاد بخش خصوصی مربوط به مردم را دخالت دولت تلقی می‌کنند. از جمله تغییر سالانه مدیران صنایع بخش خصوصی.

فرماندار بشاگرد (۲۲ سال سابقه): اینکه دولت در همه مسائل دخالت کند، درست نیست؛ زیرا دخالت در بخش خصوصی سبب پس‌رفت منطقه می‌شود و هزاران مشکل برای صنایع به‌وجود می‌آورد. صنعت ما طوری سیاسی شده است که در چهار سال، چهار مدیر صنایع تغییر داده شده است.

فرماندار بندر لنگه (۱۹ سال سابقه): همه دستگاه‌ها و از جمله استانداری، از طریق کمیته امداد و بهزیستی، برای افرادی که هیچ درآمدی ندارند، حداقل‌ها را فراهم کنند.

فرماندار سیریک (۱۲ سال سابقه): دولت در تهیه آب‌شیرین‌کن و انتقال آب سراسری، تقریباً به وظیفه‌اش عمل کرده است.

۱۰. کم‌کاری دولت: اینکه دولت به وظایف برای رفع فقر و نابرابری عمل نکرده است.

فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه): دولت تصدی‌گری خود را با تجمیع روستاها و ایجاد شهرستان‌ها و جذب سرمایه‌گذار به آنجا گسترش دهد تا سرمایه‌گذار، انگیزه ورود برای سرمایه‌گذاری داشته باشد.

فرماندار حاجی‌آباد (۲۵ سال سابقه): دولت اصلاً و ابداً به وظایفش برای رفع فقر و نابرابری عمل نکرده است.

فرماندار بستک (۲۶ سال سابقه): در حال حاضر در مناطق ساحلی، هر فردی که زورش بیشتر باشد، محدوده بهتری برای صید در اختیار دارد که این از ایرادات به دولت است.

فرماندار بندر خمیر (۱۸ سال سابقه): باتوجه به اینکه شهرستان بندر خمیر شهرستانی ساحلی است و از زمان قدیم معیشت مردم آنجا با دریا گره خورده است، همیشه این گله را دارند که شهرستانی که اسم بندر را یدک می‌کشد، چرا اسکله صیادی و تجارتي چندمنظوره ندارد؛ هم‌چنین شوری آب کشاورزی به دلیل احداث کارخانه در دشت‌ها، زمینه کشت محصولات صادراتی کشاورزی را از بین برده است. دولت در بحث مسکن مهر به وظایفش به‌طور کامل عمل نکرده است؛ اما اینکه بگوییم مشکلات را نادیده گرفته است، هم درست نیست.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): دولت باید قدرت داشته باشد تا افراد غیر بومی را فقط در صورت سرمایه‌گذار بودن در استان به‌کار گیرد.

۱۱. اشتغال‌زایی: ایجاد زمینه اشتغال و کسب درآمد برای افراد جویای کار توسط دولت.

فرماندار حاجی‌آباد (۲۵ سال سابقه): پرداخت وام‌های اشتغال‌زایی به اشتغال مردم و حمایت از بخش خصوصی کمک کرده است. نداشتن نگاه سیاسی به سرمایه‌گذار و وارد کار کردن بدون جناح‌گرایی.

۱۲. فقرزدایی: کاهش آمار فقر براساس اعلام منابع رسمی.

فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه کار): دولت به‌عنوان متولی رفع فقر، اراده‌اش بر فقرزدایی است، هرچند استان در مجموع، رتبه چشمگیری برای رفع فقر ندارد.

۱۳. ساختار پیچیده: سیاست‌های دست و پاگیر و کاغذبازی در ادارات، اجازه رسیدگی بهتر و سریع‌تر به رفع مشکلات مردم را کم می‌کند.

فرماندار بندر خمیر (۱۸ سال سابقه): اینکه فکر کنیم بتوانیم یک گوشه را بگیریم و به سرمنزل مقصود برسانیم، حتماً قوانین دست و پاگیر چیز دیگری را شکل می‌دهد؛ اما تأکید می‌کنم که طرح آمایش سرزمین، طرح بسیار خوبی براساس داشته‌های این منطقه است و می‌تواند چهره بندر خمیر را تغییر دهد.



فرماندار قشم (۲۱ سال سابقه): دولت علاقه‌مند است به وظایف خود عمل کند؛ اما به دلیل ساختارهای پیچیده نتوانسته آن‌طور که باید در بخش محلی، فقر و بیکاری را به حداقل برساند؛ بنابراین در رفع دوگانگی بین مناطق آزاد و فرمانداری که منافع عمومی مردم را دچار چالش می‌کند، دولت ناتوان بوده است.

فرماندار رودان (۱۸ سال سابقه): با دارا بودن شهرستان‌هایی مانند حاجی‌آباد و رودان با کشاورزی‌های خارج از فصل‌شان و در کنار این ظرفیت‌ها، منابع انسانی که نیروهای خلاق و مستعدی هستند، باید به‌طور طبیعی فقر در استان در حداقل باشد، اما چه چیز سبب شده است هنوز اقشار فقیری در استان داشته باشیم. یکی از دلایل آن علت‌های ساختاری است. در ساختار اداری باید بازنگری صورت گیرد.

۱۴. سیاست‌های اقتصادی: تصمیمات متمرکزی برای کل کشور، که توسط دستگاه‌های دولتی مرکز کشور گرفته می‌شود.

فرماندار بندرعباس (۳۱ سال سابقه): با اتخاذ تصمیم مناسب و کارشناسی‌شده و اجرای مناسب آن است که کشور اداره می‌شود و پیامد آن برای بندرعباس عالی می‌شود و یکی از شهرهایی می‌شود که حتماً منفعت زیادی خواهد برد. به هر حال در سیاست‌های کلان بویژه در حوزه اقتصاد، نیازمند تجدیدنظر هستیم، به شرطی که نگرانی ما مکتوب باشد، نه فقط لقلقه زبان.

فرماندار میناب (۱۶ سال سابقه): همان منابع نفت و دریا که ما داریم، کشور امارات نیز دارد؛ چرا ما عقب‌تر مانديم. اگر هدف فرماندار فقط گذران دوره حاکمیتی باشد، آن شهرستان به عقب رانده می‌شود. وقتی آگاهی نداشته باشیم، زمین‌های مسکونی به پرورش میگو اختصاص پیدا می‌کند.

فرماندار بندر لنگه (۱۹ سال سابقه): صید ماهی توسط کشتی‌های چینی که تأثیر منفی بر معیشت مردم گذاشته است، مهم‌ترین دغدغه مالی مردم است.

فرماندار بندرعباس (۳۱ سال سابقه): درحالی‌که از تمام اقوام در بندرعباس ساکن هستند، چرا نباید از نقاط قوت آنها استفاده کرد؟ چرا هنوز، میزان افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی، زیاد است؟ چرا نگرانی اشتغال برای جوانان وجود دارد؟ تا زمانی که وضع اقتصاد کلان کشور، خراب باشد، هرمزگان هم از وضع خراب خود آسیب می‌بیند.

فرماندار رودان (۱۸ سال سابقه): دولت با تغییر مدام فرمانداران و استانداران، سردرگمی ایجاد می‌کند.

۱۵. احداث راه: راه‌سازی و گسترش حمل و نقل مناطق محروم برای خروج از بن‌بست صادرات و تجارت صورت می‌گیرد.

فرماندار بشاگرد (۲۰ سال سابقه): راه‌سازی برای خارج کردن مناطق دورافتاده از بن‌بست و گسترش حمل و نقل و رونق اقتصاد، سیاست خوبی است، اما به زیرساخت مناسب نیاز دارد.

۱۶. تمرکزگرایی: حکومت در مرکز، اختیار سیاستگذاری اجرایی خود را به استان‌ها منتقل نمی‌کند.

فرماندار قشم (۲۲ سال سابقه): هر دستگاه متولی باید به وظیفه خود عمل کند؛ اما در بسیاری از مواقع این دستگاه، اختیارات مافوقی ندارد؛ زیرا در حوزه فعالیتی ما به‌ناچار باید سلسله مراتب رعایت شود. هیچ دستگاهی در استان نداریم که اختیارات کامل داشته باشد.

فرماندار بندرعباس (۳۱ سال سابقه): من به‌عنوان مسئول اجرایی اگر می‌گویم مردم درد اقتصادی دارند، باید بتوانم تصمیم بگیرم؛ اما یکی از حلقه‌های مفقوده در اداره کشور ما، فقدان تصمیم‌گیری است. اولاً، تصمیم نمی‌گیریم. اگر هم می‌گیریم، تصمیم درست نمی‌گیریم؛ بلکه فقط سخنرانی می‌کنیم، توصیه می‌کنیم و شعار می‌دهیم.

فرماندار بندر خمیر (۲۸ سال سابقه): فرمانداران به‌تنهایی نمی‌توانند شق‌القمر کنند؛ بلکه باید به داشته‌های شهرستان نیز توجه کرد. آنها تابع سیاست‌های بالادستی هستند. شکل مدیریت دولتی ما از بالا به پایین است. خود ما زیاد نمی‌توانیم دخل و تصرفی اعمال کنیم؛ بلکه ممکن است ایده و طرز تفکر ارائه کنیم و راه و روش نشان دهیم. یک فرماندار می‌تواند با شناخت امکانات و زیرمجموعه‌ها در راستای شناساندن داشته‌ها و نداشته‌های منطقه و ارتقای وضعیت موجود، به مدیران بالادستی کمک خوبی بکند. به یقین ما فرمانداران می‌توانیم، مسائل و مشکلات را خوب منتقل کنیم. هیچ‌گاه آمار و ارقام واقعی در کشور ما شکل نگرفته است. ما به‌عنوان افرادی که داریم بالادستی‌های خودمان را تغذیه می‌کنیم، بی‌گمان باید در واقعیت آمار و ارقام دقت کنیم. اگر سرپوش بگذاریم، بالاخره یک زمان مثل دمل چرکین سرباز می‌زند و رفع آنها سخت‌تر می‌شود؛ چرا که تبدیل به مسائل امنیتی و سیاسی می‌شود.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): با فاصله‌ای که حاکمیت استان با حاکمیت ملی دارد، مشکلات حل نمی‌شود؛ زیرا برای مسائل صیادی منطقه ما، کارشناس شیلات تهران که هیچ شناختی از

مسائل منطقه ما ندارد، تصمیم‌گیری می‌کند و یا برای دشت بارق در بشاگرد، کارشناس سازمان مدیریت تهران تصمیم می‌گیرد.

فرماندار بندرعباس (۳۱ سال سابقه): بندرعباس می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه اقتصاد ملی و محلی ایفا کند، چرا که به‌هرحال بندرعباس بزرگترین دروازه واردات و صادرات کشور است؛ بنابراین چه به‌لحاظ فرهنگی و چه اقتصادی، بندرعباس باید کارکرد ویژه‌ای داشته باشد. علت اصلی این است که کشور ما به‌شکل متمرکز اداره می‌شود.

۱۷. طرح آمایش: طرح سنجش عمومی منابع معدنی و انسانی و طبیعی برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری متناسب با امکانات.

فرماندار بندر خمیر (۱۸ سال سابقه): در سطح استان و شهرستان‌ها توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، برنامه‌ای مدون طراحی شود تا ببینیم اکنون در کجا هستیم و در ۲۰ سال آینده قرار است کجا باشیم؛ زیرا گاهی برنامه‌های سلیقه‌ای بدون توجه به بحث آمایش سرزمین در حال حرکت است. نبود برنامه‌ریزی چه کوتاه‌مدت و چه بلندمدت با ساختار کنونی مشکل‌آفرین است.

۱۸. بزهکاری و اعتیاد: اقدامات خلاف هنجارها و قوانین جامعه را بزهکاری گویند.

فرماندار جاسک (۱۸ سال سابقه): هرگاه معیشت مردم به‌خطر افتد در کنار آن، بزهکاری اجتماعی هم رخ خواهد داد. بدترین پیامد فقر و نابرابری، مسائل و مشکلات فرهنگی است.

فرماندار پارسیان (۷ سال سابقه): مادر همه چالش‌های اجتماعی کشور، فقر است. بدترین پیامد فقر، افزایش بزهکاری و جنایت است. با وجود این، وضعیت پارسیان نسبت به بقیه مناطق استان هرمزگان بهتر است؛ زیرا از قدیم مشغول تجارت بودند.

فرماندار بشاگرد (۲۰ سال سابقه): اعتیاد، البته قبل از دهه ۶۰؛ اکنون دیگر تلاش جوانان برای بهبود وضعیتشان بیشتر شده است.

۱۹. نافرمانی مدنی: سرپیچی از مقررات اجتماعی وضع شده در هر جامعه را نافرمانی مدنی گویند.

فرماندار بندرلنگه (۱۹ سال سابقه): هرچه شکاف طبقاتی بیشتر شود و فقر پایدار بماند، اولین پیامد آن همین اعتراضاتی است که مردم با سیاست‌ها و تصمیمات دولتی همراهی نکنند. احتمال بروز خطرات ناشی از فقر، از جمله نافرمانی مدنی خیلی زیاد است.

۲۰. مصلحت‌اندیشی: چشم‌پوشی از موضوعی به‌خاطر رسیدن به هدفی با اهمیت‌تر را مصلحت‌اندیشی گویند.

فرماندار بندر خمیر (۱۸ سال سابقه): باور خودم این است که از بیرون نمی‌توانند برای ما مشکلی ایجاد کنند؛ بلکه از درون باید مواظب باشیم. اگر مسئولی با خلوص نیت کار کند، جامعه، جامعه خوبی خواهد شد. اما متأسفانه به نظر من خیلی وقت‌ها این را فراموش کرده‌ایم و مصلحت‌اندیشی بی‌مورد و با ذائقه دیگران کارکردن برای ما مشکل ایجاد کرده است.

فرماندار بستک (۲۶ سال سابقه): من فکر می‌کنم وضع فقر استان هرمزگان این‌طور نمی‌ماند. سرانجام راه باز می‌شود و استان از این پیچ هم عبور می‌کند. مردم اعتقادات خاصی دارند که به‌خاطر معیشت آنها را از یاد نمی‌برند. نه‌اینکه فقر آنها را نگران نکند؛ بی‌گمان فقر تأثیر خواهد داشت، اما امیدواریم که به فرجام خوبی منتهی شود.

۲۱. راهبری موضوع: اینکه هدف یا مسئله را تا رسیدن به نتیجه پیگیری کنیم.

فرماندار بندرعباس (۳۱ سال سابقه): هر مدیری در حوزه فعالیت خویش وضعیت موجود را رصد کند و براساس اولویت‌بندی، برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت داشته باشد.

## شناسه‌گذاری

در مرحله اول براساس شناسه‌گذاری باز روی پاراگراف‌های مصاحبه، مفاهیم اولیه استخراج و کوشش شد نکات کلیدی مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان استخراج شود. در ادامه مشخص شد برای تبیین موضوع بسیاری از تعابیر گوناگون مفهوم یکسانی دارد. از این‌رو این شناسه‌ها تجمیع و ادغام شد. به‌منظور تشکیل مقوله‌های عمده در مرحله شناسه‌گذاری متمرکز، مفاهیمی که در مرحله شناسه‌گذاری اولیه استخراج شده بود، دوباره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ سپس نوبت به مقوله‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه رسید، که در دو مقوله اصلی عوامل اقتصادی و سیاسی جای می‌گیرد. مقوله‌های اقتصادی مانند بیکاری، آموزش، مشکلات معیشتی، فاصله طبقاتی، مهاجرپذیری و مقوله‌های سیاسی مانند حمایت دولت، تغییر مداوم فرمانداران، مدیریت دوگانه مناطق آزاد.

پژوهشگر در مرحله شناسه‌گذاری محوری، طبقه محوری را مشخص می‌کند که معمولاً پدیده مورد بررسی در پژوهش است و ارتباطی منطقی و علی بین این مقوله و دیگر مقوله‌ها برقرار می‌سازد. در این مرحله از شناسه‌گذاری، پژوهشگر مقوله‌های شرایطی، تعاملی / فرایندی و پیامدی

را تعیین می‌کند. در این پژوهش، پدیده مورد بررسی «درک نخبگان سیاسی ایران از فقر و نابرابری» است. بر همین اساس آن را به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته و دیگر مقولات را به‌شرح زیر به‌عنوان مقولات علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، تعاملی / فرایندی و پیامدی بررسی می‌کنیم.

در مرحله شناسه‌گذاری گزینشی، ضمن مشخص کردن «مقوله هسته‌ای» به ارائه نظریه داده‌بنیاد پرداخته خواهد شد. مقوله هسته‌ای به دو شیوه انتخاب می‌شود. در شیوه اول، ممکن است پژوهشگر یکی از مقوله‌ها را گزینش کند و در شیوه دوم، وی باید به تعیین و ساخت مقوله جدید اقدام کند. در این پژوهش باتوجه به هدف، از شیوه اول استفاده شد و موضوع مورد پژوهش یعنی «درک نخبگان سیاسی از فقر و نابرابری» به‌عنوان «مقوله هسته‌ای» انتخاب شد. بر این اساس، تمام مقولات دیگر را می‌توان به‌نوعی زیرمجموعه این مقوله قرار داد و در ارتباط با این مقوله فرض کرد. پس از استخراج مقولات عمده و تعیین مقوله هسته‌ای در مرحله شناسه‌گذاری انتخابی، نظریه داده‌بنیاد با استفاده از مقولات عمده ارائه می‌شود. در این پژوهش نیز با استفاده از دنبال‌کردن خط اصلی داستان در چارچوب یک الگو و راه، نسبت به ارائه نظریه داده‌بنیاد اقدام شده است. باتوجه به توضیحات ارائه‌شده و با استفاده از این مفاهیم و مقولات، نظریه «درک نخبگان سیاسی از فقر و نابرابری» ارائه خواهد شد. در این نظریه مقولات شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، تعاملات و فرایندها به‌همراه پیامدها و حلقه بازخورد آن ارائه می‌شود؛ هم‌چنین در این نظریه، مقوله پیامد درک، به‌عنوان پیامد و نتیجه این نظریه در نظر گرفته شده است که راهبردهای اتخاذشده توسط نخبگان به چه نتایجی خواهد انجامید؟

جدول ۵. شرایط علی درک نخبگان سیاسی ایران از فقر و نابرابری

نشانه‌ها	مفاهیم	مقوله‌ها
بیکاری	بیکاری و اشتغال	نگرانی‌های مردم
کمبود شغل		
ظرفیت‌های ایجاد نشده		
احتیاج معیشتی		
مهاجرپذیری		
نبود اسکله‌های صیادی		
رسیدگی نکردن دولت به مردم	توجه نکردن	
بهبودنیافتن وضعیت		
نبود آموزش مناسب		
حضور کشتی‌های صیادی چینی	سیاست‌های اشتباه	
استقرار صنایع بدون بهره		
فاصله طبقاتی		
مشکل مالی		
تخصیص نداشتن برخی مدیران		
تغییر مداوم فرمانداران		
چنددستگی مسئولان		

زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نشان‌دهنده سایه سنگین سیاست‌های نامناسب سیاسی در بکارگیری نیروهای بومی بیکار برای رهایی از فقر و نابرابری است. به‌گونه‌ای که دولت به‌عنوان متولی رفع فقر و نابرابری اجتماعی معرفی شده و نقش بسیار حداقلی برای مردم در نظر گرفته شده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

باتوجه به آنچه از درک مشارکت‌کنندگان از فقر و نابرابری به‌دست آمد، به‌نظر می‌رسد دو عامل بیکاری و نبود حمایت سیاسی دولت، بیشترین فراوانی در رشد فقر و نابرابری را دارد. به‌گونه‌ای که حتی به گفته فرمانداران، برای تصمیم‌گیری درباره کوچک‌ترین مسائل بومی استان، مانند صید ماهی باید از کارشناس شیلات تهران مجوز بگیرند. این کار سبب می‌شود که نخبه‌های سیاسی

هرقدر هم درک درستی از میزان فقر و شدت نابرابری داشته باشند، نتوانند برای بهبود شرایط شهرستان حوزه فعالیت خود، اقدام سازنده‌ای انجام دهند. استان هرمزگان در کنار استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان، از استان‌هایی است که هرگز در هیأت دولت نماینده‌ای نداشته است تا صدای آنها را به گوش مسئولان تصمیم‌گیر برساند و این خود نشانه محرومیت این استان از مشارکت اجرایی در اداره کشور است تا بتواند شدت فقر و نابرابری را به صورت بهینه کاهش دهد.

**فهرست منابع**

- آقاجانی، ز (۱۳۹۶). فرایند هویت‌یابی زنان در جریان تجربه طلاق. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، ایران.
- اشرفی، س؛ بهبودی، د؛ واعظ مهدوی و پناهی (۱۳۹۷). سه‌وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۷۱.
- افروغ، ع (۱۳۷۹). شورش‌های شهری و امنیت داخلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۳(۸).
- اطهاری، ک (۱۳۸۰). در جستجوی عدالت اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۳(۲)، پیاپی ۹.
- ازکمپ، الف (۱۳۸۵). روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ازکیا، م و غفاری، غ (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ هشتم، تهران: انتشارات کیهان.
- ارائی، م (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی برنامه‌های فقرزدایی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۸).
- انصاری، ح (۱۳۷۸). مبانی تعاون، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بشیریه، ح (۱۳۸۰). جایگاه منافع ملی در سیاستگذاری داخلی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۱ و ۱۲.
- پرستش، ن (۱۳۸۷). پدیده فقر و نابرابری اجتماعی، نشریه مجله اقتصادی، شماره ۷۹ و ۸۰.
- پورعزت، ع؛ فتحی، ف؛ عباسی، ط؛ امیری، ع (۱۳۹۶). تدوین مدل شایستگی مدیران در جهت تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۱(۱).
- خواجه‌نوری، ن (۱۳۹۵). درک نابرابری اجتماعی، تلاقی طبقه، سن، جنس، قومیت و نژاد در کانادا، نشریه نقد کتاب علوم اجتماعی، ش ۱۳.
- خداپرست، م و داوودی، الف (۱۳۹۲). هزینه‌های دولت و کاهش فقر و نابرابری، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱(۴).
- حسین‌زاده، م؛ بیات، ب و نوابخش، م (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی نقش و کارکرد اجتماعی نخبگان سیاسی در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، نشریه مطالعات دانش راهبردی، ش ۳۱.
- حقیبان، س (۱۳۸۹). بررسی چگونگی تاثیر فرهنگ سیاسی نخبگان بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، تهران، ایران.
- فاضلی، ف؛ صفانیا، ع و حسینی، س (۱۳۹۶). شناسایی شرایط علی مؤثر بر توسعه قابلیت‌های مدیران نخبه در سازمان‌های ورزشی منتخب کشور (مطالعه‌ای با رویکرد گرنند تئوری)، مجله جهاد دانشگاهی.



- قاسمی، ح (۱۳۸۳). نقش نخبگان در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، نشریه اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۱۱ و ۱۲.
- صفری شالی، ر (۱۳۹۲). بررسی گفتمان عدالت اجتماعی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی، رساله دکتری رفاه اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران.
- مهرورزیان، ط (۱۳۹۴). تفاوت تفاسیر فقها و اندیشمندان مسلمان درباره حقوق سیاسی - اجتماعی زنان از متون ثابت دینی، پژوهش‌نامه زنان، ۶(۲).
- روحانی، ع؛ کشاورزی، س و انبارلو، م (۱۳۹۸). ارائه نظریه زمینه‌ای از رویارویی نخبگان جوان با بوروکراسی بنیاد ملی، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۹(۴).
- راغفر، ح، باباپور، م، یزدان‌پناه، م (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه، مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۴(۱۶).
- مطهری، ف (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اخلاقی نخبگان سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران.
- موسوی‌زاده، س (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی تقریب‌گرایی در حلقه نخبگان سیاسی دینی جمهوری اسلامی ایران بر پایه شاخص‌های نظری و عملی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رساله دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- محمدپور، الف و رضایی، م (۱۳۸۷). درک معنایی پیامدهای روند نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۹(۱ و ۲).
- نوغانی، م؛ محمدی، ف و کرمانی، م (۱۳۹۸). خلق نظریه در مطالعات کیفی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- نوغانی، م (۱۳۸۶). تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲۳(۳).
- ره پیک، س (۱۳۸۷). فرایند تصمیم‌گیری در بحران و نقش رسانه‌ها، مجله پژوهش‌های ارتباطی، ۱۵(۵۶).
- مهدی‌زاده، اکبر (۱۳۸۸). فقر و نابرابری در عصر جهانی‌شدن، مجله مطالعات سیاسی، ش ۳(۳).
- ظهیری‌نیا، م؛ هادی، س (۱۳۹۵). مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های زباله‌گردی در شهر تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷(۳).
- ساعی، ع؛ کریمی، ز (۱۳۹۱). تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۴).

- محمدی‌وند، ف (۱۳۹۸). بررسی فقر در ایران و ارزیابی شیوه‌های مالی مؤثر در کاهش آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. تهران، ایران.
- صمدی، ب (۱۳۸۴). نابرابری و احساس نابرابری، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران.
- لطیفیان، س (۱۳۸۹). نابرابری اقتصادی جهانی و فقر: تحلیل سیاست‌های فقرزدایی و کاهش نابرابری‌های درآمد در جهان در حال توسعه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴(۴).
- عجم‌اوغلو، د؛ رابینسون، ج (۱۴۰۰). چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ دلایل فقر و رفاه دولت‌ها، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات روزنه.
- عریضی، س؛ گل پرور، م (۱۳۸۴). رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مؤلفه‌های برابری سیاسی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۶).
- عرف، ج (۱۳۹۲). احساس امنیت سیاسی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در میان نخبگان سیاسی کشور، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- کریمی، ز (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه‌ای فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- موفقیان، ن (۱۳۸۲). درباره روش‌های تعریف و سنجش فقر، فصلنامه تامین اجتماعی، ۵(۱۳).
- غفاری، غ (۱۳۸۵). مدخلی بر سرمایه اجتماعی، مجله سیاست داخلی، ش ۱.
- هادی زنور، ب (۱۳۸۴). فقر و نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۷).
- محمودی، و؛ صمیمی‌فر، س (۱۳۸۴). فقر قابلیت، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۹).
- شیانی، م (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۸).
- ریتزر، ج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.
- کرایب، یان (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر آگه.
- گیدنز، الف (۱۳۹۰). راه سوم، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر شیرازه.
- لابن، ژ (۱۳۵۹). جامعه‌شناسی فقر (جامعه‌شناسی جهان سوم و جهان چهارم)، ترجمه جمشید بهنام، تهران: انتشارات خوارزمی.
- زاهدی، م (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: انتشارات مازیار.
- تامین، م (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.

- کمالی، ع (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- شارون، ج (۱۳۸۰). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- غنی‌نژاد، م (۱۳۷۹). عدالت، عدالت اجتماعی و اقتصاد، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۲(۳).
- موسوی، م؛ محمدی، م (۱۳۸۸). مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانژه.
- نعمانی، ف؛ بهداد، س (۱۳۸۹). سی سال جایجایی طبقات اجتماعی در ایران، نشریه گفتگو، ش ۵۵.
- لهسایی‌زاده، ع (۱۳۷۴). نابرابری و قشریندی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- کریمی، ی (۱۳۸۵). روان‌شناسی اجتماعی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات ارسباران.
- وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). مجموعه گزارش‌های پایش فقر در سال ۱۳۹۹.

Clarke .Gerard & Sison .Marites (2003), **Elite Perceptions of Poverty and the Poor in the Philippines**, published by Black well publishing.

Damele .Giovanni, Santos Campos (2022), **Elite Theory: Philosophical challenges**.

Farazmand. Ali (1999), **The Elite Question toward a normative Elite theory of organizaion**, 321-360.

Figueroa. Adolfo (2006), **Competition and economic Elites: Theory and application to the case of peru**.

H. Amsden. Alice, Di Caprio. Alisa & Robinson. James (2012), **The Role of Elites in Economic Development**, United Nations University.

Jina. Kim (2013), **An Analysis of Political Instability in the DPRK: Identity, Interest and Leader-elite Relations**, Vol. 25, No .1

Kalati .Noushin & Manor. James (1999), **Elite Perception of Poverty South Africa**, Vol 3 No 2.

Kromaric. Daniel, Stephen c. Nelson & Andrew Roberts (2020), **Studying Leaders and Elites: The personal Biography Approach**, Annu. Rev. political Sci.

Kwasifosu. Augustin (2010), **Inequality, income, and poverty: Comparative Global Evidence**, Vol 91 No 5.

Lopez. Matias (2013), **The state of Poverty: Elite Perceptions of The Poor in Brazil and Uruguay**, International Sociology.

M Compos-Vazquez. Raymundo, Krozer. Alice, A. Ramirez-Alvarez. Aurora (2021), **Perceptions of Inequality and Social mobility in Mexico**.

Medrano. Anahely (2007), **Elite and Poverty in The Neoliberal Era: The Case of Mexico**, June 28, The new York Times.

Mikecs. Robert (2012), **Qualitative Inquiry** , published by SAGE.

P. Reis. Elisa & Moore . Mick (2005), **Elite Perception of Poverty and Inequality**, zed books, London.

P. Reise. Elisa (1999), **Perceptions of Poverty: Brazil**, IDS Bulletin Vol 30 No2.

Schiedermaier. Joachim

Xu. Mengnan. Walker. Robert & Yang. Lichao (2021) **Poor and Lazy: Understanding Midle-class Perception of poverty in China**.

Zuba. Krzysztof (2016), **Power holders: One versus many leadership and elite theories**, <http://dx.doi.org/10.1080/2158379X.2016.1191221>.

## Hormozgan province's political elites' understanding of poverty and inequality

By:

Nafiseh Amir Mahmoudi<sup>1</sup>

Faizollah Nouroozi<sup>2</sup>

Hasan Reza Yosofvand<sup>3</sup>

### Abstract

The term elite refers to a small group dependent on the government that has superior abilities and facilities. We operationally define elites in terms of institutions. They are the people who occupy the leadership positions within the set of institutions that are more defined in terms of national political and policy-making consequences. The important and effective role of the elites in the decision-making process is accepted, and in order to know how the elites and planners of the country make policy decisions, it is inevitable to know how they understand the issues and problems of the society. In order to understand the elites about the problem of poverty and inequality, 13 governors along with the governor of Hormozgan province were used for background research. The purpose of this research is to get familiar with the understanding of political elites about poverty and inequality, with all generalities and details and its impact on society and people. Foundation data theory is presented using major categories and following the main story line in the framework of a paradigm. In this theory, there are causal, contextual and intervening conditions, interactions and processes, and its consequences and feedback. The result of the research shows that the economic, social and political fields show the heavy shadow of inappropriate political policies in the use of unemployed native forces to get rid of poverty and inequality, so that the government is introduced as the guardian of poverty and social inequality and has a very minimal role. It is intended for people.

**Keywords:** political elites, poverty and inequality, understanding of elites.

---

1. Corresponding author: Ph.D. student of Political Sociology, Azad University, Tehran, Iran. amirmahmudi3391@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Social Sciences, Azad University, Tehran, Iran. faizollah\_nouroozi@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payam-e-Noor University, Isfahan, Iran. yosofvand@pnu.ac.ir